

فهرست

- مقدمه ۱۱
- اصل و نسب معاویه بن ابی سفیان چیست؟ ۱۳
- فساد و فحشاء خاندان معاویه ۱۳
- دشمنی معاویه با اسلام و پیامبر ﷺ ۱۴
- برخی جنایت‌ها و خیانت‌های معاویه ۱۵
- دیدگاه پیامبر ﷺ و امیر المؤمنین ﷺ درباره معاویه ۱۶
- کینه توزی بنی امیه به چه خاطر بود و سابقه این دشمنی به چه زمانی برمی‌گردد؟ ۱۸
- نمونه‌هایی از افکار و گفتار ابوسفیان ۱۹
- چرا امام حسن ﷺ صلح، ولی امام حسین ﷺ مبارزه کرد؟ ۲۱
- چرا امام حسین ﷺ در زمان معاویه قیام نکرد؟ ۲۳
- موانع قیام امام حسین ﷺ در زمان معاویه ۲۳
۱. پیمان صلح امام حسن ﷺ ۲۳
۲. پذیرش حکومت معاویه از سوی مردم ۲۴
- دلایل معاویه برای مشروعیت حکومت خود ۲۴
- امام حسین ﷺ در زمان معاویه چه فعالیتی داشتند؟ ۲۵
- اقدامات مهم امام حسین ﷺ در زمان معاویه ۲۵
۱. سخنرانی‌ها و نامه‌های اعتراض‌آمیز ۲۵
۲. سخنرانی افشاگرانه در اجتماع عظیم حاجیان ۲۵
۳. برخورد با حاکمان مدینه ۲۵
۴. جلوگیری از سوء استفاده‌های سیاسی و تبلیغی ۲۶
۵. موضع امام در برابر شهادت حجر بن عدی و یاران ۲۶
۶. مخالفت با ولیعهدی یزید ۲۷
- زمینه‌ها و انگیزه‌های قیام امام حسین ﷺ چه بود؟ ۲۸
- عوامل قیام امام حسین ﷺ ۲۸

- ۲۹ زمینه‌های قیام امام حسین علیه السلام ۲۹
- ۳۰ عوامل انحراف جامعه در زمان امام حسین علیه السلام چه بودند؟ ۳۰
- ۳۰ زمینه‌های انحراف جامعه ۳۰
- ۳۰ پایین بودن سطح فرهنگ دینی مردم ۳۰
- ۳۱ روح زندگی قبیله‌ای ۳۱
- ۳۱ ضعف ایمان در مردم ۳۱
- ۳۲ عوامل انحراف جامعه در زمان امام حسین علیه السلام ۳۲
- ۳۳ عامل اول: تبلیغات ۳۳
- ۳۳ ابزارهای تبلیغی در زمان معاویه ۳۳
- ۳۴ عامل دوم: تطمیع ۳۴
- ۳۴ عامل سوم: تهدید ۳۴
- ۳۶ چرا مردم فریب معاویه را خوردند؟ ۳۶
- ۳۸ چرا امام علی با دشمنانش کنار نیامد تا حادثه عاشورا رخ ندهد؟ ۳۸
- ۳۸ بقای اسلام، مرهون عملکرد امیرالمؤمنین علیه السلام ۳۸
- ۴۲ آیا سفر امام حسین علیه السلام به عراق مصلحت بود؟ آیا راه دیگری نبود؟ ۴۲
- ۴۲ چرا امام به مکه رفت؟ ۴۲
- ۴۳ علت خروج از مکه و حرکت به سمت کوفه ۴۳
- ۴۵ نقش ابن زیاد ۴۵
- ۴۶ چه کسانی با سفر امام مخالفت کردند و پیشنهادشان چه بود؟ ۴۶
- ۴۶ ۱. محمد حنفیه (برادر امام حسین علیه السلام) ۴۶
- ۴۶ ۲. عبدالله بن عباس ۴۶
- ۴۷ ۳. مروان بن حکم ۴۷
- ۴۷ ۴. عبدالله عمر ۴۷
- ۴۸ ۵. عبدالله بن زبیر ۴۸
- ۴۹ چرا امام حسین علیه السلام برای سفر به عراق، خانواده‌اش را همراه برد؟ ۴۹
- ۵۰ چرا برخی از بزرگان صاحب نام و نزدیکان امام همراه امام به کربلا نیامدند؟ ۵۰
- ۵۲ چه شد که امام نه در مکه و نه در کوفه، بلکه در کربلا به شهادت رسید؟ ۵۲
- ۵۴ اگر دعوت مردم کوفه نبود، آیا امام حسین علیه السلام قیام می‌کرد؟ ۵۴
- ۵۶ چرا امام بیعت نکرد و آیا برای امام راه دیگری جز شهادت نبود؟ ۵۶
- ۵۶ دلایل عدم بیعت امام با یزید ۵۶
- ۵۶ دلیل اول: احساس وظیفه نسبت به سرنوشت جامعه اسلامی ۵۶
- ۵۶ دلیل دوم: تأیید خلافت و رفتار و عملکرد یزید ۵۶
- ۵۶ دلیل سوم: اصل اسلام در خطر بود، نه شخص امام ۵۶
- ۵۷ دلیل چهارم: عدم همکاری و کمک به یزید ۵۷
- ۵۸ چرا مسلم از موقعیتی که به دست آورده بود، این زیاده را نکشت؟ ۵۸
- ۵۹ چرا وقتی امام از شهادت مسلم آگاه شدند، بزه حرکت خود ادامه دادند؟ ۵۹
- ۶۰ آیا واقعاً امام بعد از خوردن با سپاه حرّ، قصد بازگشت داشتند؟ ۶۰
- ۶۲ چرا مردم کوفه ثابت قدم نبودند؟ یک روز خوب و یک روز بد! ۶۲
- ۶۲ علت قضاوت‌های متناقض درباره مردم کوفه ۶۲
- ۶۲ ۱. مواضع و تصمیمات گوناگون مردم کوفه ۶۲
- ۶۳ ۲. وجود گروه‌های سیاسی و مذهبی مختلف و متضاد در شهر کوفه ۶۳
- ۶۳ ۳. ترکیب قبیله‌ای شهر ۶۳
- ۶۳ ۴. روحیات مردم کوفه ۶۳
- ۶۳ مردم کوفه و رخداد کربلا ۶۳
- ۶۸ عوامل ریزش کوفیان ۶۸
- ۶۸ حادثه سازان عاشورا، در زیارت عاشورا ۶۸
- ۷۱ دشمنان، شخصیت امام حسین علیه السلام را می‌شناخت، چگونه ایشان را کشتند؟ ۷۱
- ۷۱ سپاه دشمن، امام را مسلمان نمی‌دانست ۷۱
- ۷۵ آیا توجه به مسأله قضا و قدر، آیا قتالان کربلا مجبور به کشتن امام نبودند؟ ۷۵
- ۷۸ مگر تقیه برای حفظ جان نیست؟ چرا امام حسین علیه السلام مانند امامان دیگر تقیه نکردند؟ ۷۸

- مفهوم تقیه ۷۸
- امر به معروف و نهی از منکر ۷۹
- تفاوت شرایط امام حسین علیه السلام با شرایط ائمه اطهار علیهم السلام ۷۹
- دو وظیفه انبیاء و امامان علیهم السلام ۸۰
- آیا امام حسین علیه السلام از شهادت خود آگاه بود، چرا خود را به کشتن داد؟ ۸۱
- شواهدی از آگاهی امام از شهادت خود و یارانش ۸۱
- آیا امام، مجبور به قیام بودند؟ مخصوصاً اینکه می گفتند چون پیامبر فرموده، پس باید بشود! ۸۴
- اراده، مشیت، تقدیر ۸۴
- آیا امام حسین علیه السلام دستور خصوصی بر اقیام داشت؟ ۸۶
- معنای برداشتن بیعت امام در شب عاشورا چه بود؟ ۸۸
- پاسخ سؤال اول: اصل برداشتن بیعت ۸۸
- ۱. اختیار و آزادی یاران ۸۸
- ۲. اعتقاد راسخ یاران ۸۸
- ۳. شهادت طلبی ۸۸
- ۴. بُعد اخلاقی ۸۹
- پاسخ سؤال دوم: حفظ جان امام ۹۰
- ۱. حرام نبودن عدم بیعت ۹۰
- ۲. عدم وجوب جهاد ۹۰
- پاسخ سؤال سوم: عدم اطاعت امام ۹۰
- ۱. امام امر نکرد ۹۰
- ۲. وجوب یاری امام هنگام استغاثه ۹۱
- خلاصه: ۹۱
- چرا امام از قدرت الهی خود برای پیروزی استفاده نکرد؟ ۹۳
- آیا کسی از سپاه امام حسین علیه السلام به لشکر عمر سعد پیوست؟ ۹۶
- آیا کسی تزججاده که کربلا سالم ماند؟ ۹۷
- دفن اجساد شهداء در کربلا، چگونه انجام گرفت؟ ۹۸
- عاقبت جنایتکاران واقعه کربلا چه شد؟ ۹۹
- ۱. عاقبت شمر بن ذی الجوشن ۹۹
- ۲. عاقبت عبیدالله ابن زیاد ۱۰۰
- ۳. عاقبت عمر سعد ۱۰۱
- ۴. عاقبت حرمه بن کاهل اسدی ۱۰۱
- ۵. عاقبت سنان بن انس ۱۰۲
- ۶. عاقبت خولی بن یزید اصبحی ۱۰۲
- ۷. عاقبت سایر جنایتکاران ۱۰۳
- آیا محل دفن سر مبارک امام حسین علیه السلام معلوم است؟ ۱۰۴
- آیا اربعین حسینی واقعیت دارد؟ ۱۰۵
- اشکالات پیرامون اربعین سال ۶۱ و پاسخ به آنها ۱۰۶
- معنای حدیث «حسین منی أنا من حسین» چیست؟ ۱۱۰
- چرا در برخی روایات آمده که زیارت امام حسین علیه السلام واجب است؟ ۱۱۱
- چرا باید حادثه عاشورا را گرامی بداریم؟ ۱۱۳
- الگو بودن قیام امام حسین علیه السلام به چه معناست؟ ۱۱۵
- یک الگوی ناب! ۱۱۶
- آیا تنها راه زنده نگه داشتن حادثه عاشورا به سینه زنی و زنجیر زنی است؟ ۱۱۸
- آثار عزاداری ۱۱۹
- آیا بهتر نیست به خاطر پیروزی امام حسین علیه السلام و حفظ دین، جشن بگیریم؟ ۱۲۰
- اهمیت شهادت طلبی ۱۲۰
- فلسفه گریه چیست؟ چرا انسان اشک می ریزد؟ ۱۲۳
- انواع گریه و ارزش اشک ۱۲۳
- چرا باید دشمنان اسلام را لعن کرد؟! ۱۲۵
- ضرورت وجود احساسات مثبت و منفی ۱۲۵

مقدمه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است». این نور هدایت، گاه و بیگاه با غبار شبها پوشیده و موجب غفلت ما از مسیر هدایت می شود. عبارروبی از این چراغ هدایت، تحقیق و تفکر است. تنها در همین صورت است که احساسات و عواطف ما سمت و سوی صحیح می یابد؛ می شود شور با شعور. این چند ورق، برای آگاهی بیشتر از حقیقت قیام عاشورا و پاسخ به پرسش های حواشی این نهضت مقدس است.

هادی قطبی

دی ماه ۱۳۸۹ / محرم الحرام ۱۴۳۲

- ۱۲۶..... ضرورت وجود سیستم دفاعی
- علت قمه زنی چیست و چرا علماء مخالفت می کنند؟ ۱۲۸
- علت ممنوعیت قمه زنی ۱۲۹
- امام سجاده علیه السلام در قیام پدر بزرگوارشان چه نقشی داشتند؟ ۱۳۱
- روش های امام سجاده علیه السلام در زنده نگه داشتن نهضت عاشورا ۱۳۱
- درباره قیام های بعد از حادثه عاشورا توضیح دهید؟ ۱۳۳
۱. واقعۀ حرّه ۱۳۳
۲. قیام عبدالله بن زبیر ۱۳۴
۳. قیام توّابین ۱۳۴
۴. قیام مختار ۱۳۴
- چرا برای امام حسین علیه السلام و زیارت او، ارزشی بیش از حد تصور قایل شده اند؟ ۱۳۸
- نیت و اخلاص، معیار ارزش گذاری خدا ۱۳۸
- ایمان و عمل دو شرط دین داری ۱۳۹
- اما حکایت حسین بن علی علیه السلام ۱۴۰
- پاداش ابدی شامل هر عزاداری نمی شود ۱۴۲
- نکته پایانی ۱۴۲
- خلاصه و نتیجه ۱۴۳
- پیام امام حسین علیه السلام برای نسل های آینده چیست؟ ۱۴۵
- فهرست منابع ۱۴۶
- سایر منابع ۱۴۸

بسیاری معتقدند: حادثه عاشورا، معلول سیاست‌های معاویه بود. اصل و نسب معاویه بن ابی سفیان چیست و آیا از دشمنی او با پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام شواهد تاریخی نیز وجود دارد؟

معاویه فرزند ابوسفیان بن حرب و مادرش هند، دختر عتبه بن ربیع بن عبد شمس است. او هم چون پدرش ابوسفیان با بغض و کینه اسلام بزرگ شد و ۲۱ سال به آزار و اذیت پیامبر خدا ﷺ پرداخت. در جنگ‌های کفر و اسلام، از پرچم‌داران کفر بود و سرانجام پس از ۲۱ سال پس از رسالت پیامبر ﷺ، در سال ۸ هجری در فتح مکه به اجبار و ریاکارانه ادعای مسلمانی کرد.

فساد و فحشاء خاندان معاویه

مادر ابوسفیان (حمامه)، از زنان ناپاک و صاحب پرچم فحشاء بود.^۱ و ابوسفیان از این طریق به دنیا آمد.

مادر معاویه (هند) نیز وضعیت خوبی نداشت. معاویه از جهت پدر، مجهول است و به چهار نفر نسبت داده شده است؛ هر چند ابوسفیان، این فرزند شیطان را ربود و هند را تصاحب کرد، ولی چیزی نگذشت که این بی‌عفتی‌ها به جایی رسید که ابوسفیان نیز با آن‌همه فسادش، نتوانست با مادر معاویه زندگی کند و مانند شوهر قبلی هند، او را رها کرد.

ابن ابی الحدید (از عالمان اهل سنت) می‌نویسد که امیه (جد اعلائی معاویه) همسرش را در اختیار پسرش قرار داد و از او ابو معیط به دنیا آمد.^۲ فرزند ابو معیط، عقبه بود که در کنار خانه خدا به پیامبر ﷺ آب دهان انداخت و فضولات حیوانی را بر سر و صورت

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. همان ج ۱۵، ص ۲۰۷.

آن حضرت می ریخت؛ که آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره فرقان در همین رابطه نازل شد.

دشمنی معاویه با اسلام و پیامبر ﷺ

از معاویه سخنانی نقل شده که نشان دهنده روح دشمنی او با اسلام و رسول خدا ﷺ است؛ که به سه نمونه اشاره می کنیم:

۱. ابن ابی الحدید می نویسد: «گروهی از بنی امیه به معاویه گفتند: تو در حکومت خویش به نهایت آرزوهایت رسیده‌ای؛ بهتر است خصومت و دشمنی‌ات را در مورد علی ﷺ کم کنی. او گفت: نه؛ واللّه آن چنان تلاش خواهم کرد که نونها لان با دشمنی علی بزرگ شوند و بزرگ سالان با بغض او دنیا را ترک کنند و حتی یک نفر هم پیدا نشود که از علی یاد کند».^۱

۲. روزی مغیره بن شعبه به معاویه گفت: «ای معاویه! این خاندان علی و بنی هاشم با تو خویشاوندی دارند، بهتر است تو حقوق خویشاوندی را کمی مراعات کنی و از آزار آنان دست برداری؛ زیرا تو به قدرت و سلطنت رسیده‌ای و آنان مزاحمتی ندارند و...» معاویه در پاسخ گفت: «ای مغیره! هنوز نمی فهمی. ابوبکر و عمر سال‌ها به این ملت خدمت کردند، ولی نامی از آنان باقی نماند؛ اما برای فرزند عبدالله هر روز در اذان پنج مرتبه می گویند اشهد انّ محمداً رسول الله... باید کاری کرد که نام محمد فراموش شده و دفن گردد».^۲

۳. معاویه با استفاده از حماقت مردم شام تا آنجا پیش رفت که خود را بالاتر از پیامبر اسلام ﷺ معرفی کرد و مردم هم تأیید کردند! وی

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۴، ص ۵۷.

۲. همان ج ۵، ص ۱۲۹؛ هم چنین: سفینه البحار ج ۲، ص ۲۹۰.

بعد از صلح امام حسن ﷺ و مراجعت به دمشق گفت: «ای مردم! خداوند مرا به وزارت پیامبر برگزیده است. هر چند وحی بر پیامبر خدا نازل می شد، ولی کتابت آن در اختیار من بود و محمد نمی دانست من چه می نویسم؛ زیرا بین من و خدا، کسی از مخلوقاتش واسطه نبوده است»؛^۱ و به این ترتیب با این دروغ بزرگ، اعتماد مردم را جلب کرد. در حالی که علاوه بر وعده حفظ قرآن از سوی خداوند و نیز اطلاع غیبی پیامبر ﷺ از این موضوع، غیر از معاویه افراد دیگری نیز کاتب وحی بوده‌اند و معاویه نمی توانست هر چه می خواست بر نام قرآن بنویسد.

برخی جنایت‌ها و خیانت‌های معاویه

در کتاب‌های تاریخی از اقدامات و گفتار ضد دینی معاویه، موارد بسیاری نقل شده است که در این فرصت به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

- دشمنی با پیامبر اکرم ﷺ.

- لعن و دشنام علی ﷺ.

- جعل حدیث علیه علی ﷺ.

- کشتن بی گناهان.

- به بازی گرفتن مقدسات و احکام مذهبی.

- نژادپرستی و طرح فضیلت عرب بر عجم و قریش بر غیر قریش.

- رباخواری.

- شراب‌خواری.

- پوشیدن لباس ابریشم.

- استعمال ظرف طلا و نقره.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۴، ص ۷۲.

- تمام خواندن نماز در سفر.
- فتوای جواز جمع بین دو خواهر در ازدواج.
- تغییر دیه ثابت در شرع مقدس.
- برداشتن تکبیر در نماز.
- برداشتن تلبیه در حج.
- تقدیم خطبه بر نماز عید فطر و قربان.
- ترک مجازات دزد.
- استخدام افراد ناشایست در مناصب حکومتی.
- تبدیل خلافت به سلطنت و موروثی کردن خلافت در بین خاندان خود.^۱

دیدگاه پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره معاویه

پیامبر خدا ﷺ برای مصلحت اسلام و مسلمین و نیز نزدیک دل‌ها و کم کردن شیطنت آل‌امیه، با اسلام‌ظاهری خاندان اموی کنار آمد، ولی درون آنان را فاش ساخت و از آینده آنان خبر داد. پیامبر ﷺ درباره او و خاندانش فرمودند: «ای مسلمانان! معاویه در پایین‌ترین و گداخته‌ترین جایگاه آتش جهنم قرار خواهد گرفت. هرگاه او طمع در خلافت کرد و در منبر من قرار گرفت، او را بکشید». سپس افزودند: «چون معاویه در دوزخ بسوزد، صدا به ناله بلند کرده و التماس و استغاثه می‌نماید» و در ادامه آیه ۹۱ سوره یونس را قرائت نمودند که: «تو اکنون ناله می‌زنی، در حالی که در دنیا، خدا را نافرمانی نموده و فساد و تباهی به راه انداختی».^۲

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز معاویه را شیطنی خواند، که نه تنها ایمان

۱. ر.ک: برگزیده‌ای جامع از الغدیر، ص ۹۷۶-۱۰۳۸.

۲. همان ج ۱۵، ص ۱۷۶.

نداشته، بلکه از راههای گوناگون مردم را فریب داده و به فساد می‌کشاند. آن حضرت در نامه‌ای به زیاد بن ابیه چنین نوشتند: «اطلاع یافتم که معاویه برای تو نامه‌ای نوشته تا عقل تو را بلغزاند و اراده تو را سست کند. از او بترس که شیطان است و از پیش رو و پشت سر و از راست و چپ به سوی انسان می‌آید تا در حال فراموشی، او را تسلیم خود سازد و شعور و درکش را برباید».^۱

حضرت در جایی دیگر فرمودند: «به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید، آنها - معاویه و خاندان او - اسلام را نپذیرفتند، بلکه به ظاهر تسلیم شدند و کفر خود را پنهان داشتند و وقتی یاورانی یافتند، آن را آشکار ساختند».^۲

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۴.

۲. همان، نامه ۱۶.

در موارد مختلفی در طول تاریخ، از عداوت و دشمنی بنی‌امیه و بنی‌هاشم سخن گفته شده است. کینه‌توزی بنی‌امیه به چه خاطر بود و سابقه این دشمنی به چه زمانی بر می‌گردد؟

درباره چگونگی شکل‌گیری کینه بنی‌امیه با بنی‌هاشم باید گفت:

جدّ سوّم رسول الله ﷺ، مغیره، ملقب به قمر البطحاء و معروف به عبدمناف است. از او چهار پسر به نام‌های هاشم، عبد شمس، مطلب و نوفل باقی ماندند. (نام اصلی هاشم، عمرو و لقب وی، علاء است که به هاشم معروف شده است). هاشم با برادرش عبد شمس، دو قلو متولد شدند و هنگام تولد، انگشت هاشم به پیشانی عبد شمس چسبیده بود و چون جراح آن دو را از هم جدا کرد، خون زیادی جاری شد و مردم این واقعه را به فال بد گرفته و پیش‌بینی کردند که در آینده، جنگ و خونریزی در میان آنان و فرزندانشان پدید خواهد آمد.

عبد شمس که ریشه اصلی بنی‌امیه و نقطه جدایی آنان از اجداد پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، مشکلات زیادی با برادر خود هاشم داشت و با او به کینه‌ورزی و عداوت برخاست. این کینه‌توزی‌ها، به وارثان او نیز منتقل شد.

اما هاشم، شخصی دل‌سوز و ایثارگر و بخشنده بود و محبوبیت خاصی در میان مردم داشت و موجب حسادت برادر خود عبد شمس گردید.

پس از عبد شمس، امیه فرزند ناخلف او و سرسلسله اموی‌ها، فضائل هاشم را دید و به مخالفت با او برخاست و برای فریب مردم، بذل و بخشش را پیش گرفت؛ بلکه قلوب مردم را با خود داشته باشد و از این راه، اطراف هاشم را خلوت کند، ولی کار او نتیجه‌ای نداد.

از امیه، حرب و صخر، به جا ماندند و بنابر گواهی تمام مفسّرین قرآن کریم، «شجره ملعونه» را تشکیل دادند. ابن ابی‌الحدید (مفسّر اهل

سنت نهج البلاغه) در این باره می‌نویسد: «از دشمنان سرسخت اسلام که بر تکذیب پیامبر خدا ﷺ به پاخاستند، ابوسفیان بن حرب و بنی‌امیه بود؛ که در جنگ‌هایی که بر ضد اسلام صورت می‌گرفت، پیش‌گام بودند. نبردهای احد و خندق و غیر اینها را، به راه انداختند و از سوی خدا و پیامبرش ﷺ مورد لعن قرار گرفتند. آن‌هم نه یک‌بار و دوبار، بلکه به طور مکرر و متعدد؛ تا اینکه سرانجام در زیر نفاق، کفر خود را پوشاندند و بر اسلام و مسلمین ضربه زدند و خداوند در آیه ۶۰ سوره اسراء با تعبیر «شجره ملعونه» آنان را رسوا ساخت و هیچ کس از مفسّرین قرآن در این مورد اختلافی ندارند».^۱

نمونه‌هایی از افکار و گفتار ابوسفیان

۱. در فتح مکه که سال هشتم هجری اتفاق افتاد، بلال، مؤذن رسول خدا ﷺ در بالای کعبه اذان گفت و بانگ تکبیر و تهلیل در مسجد الحرام پیچید. چون ابوسفیان این فرازها را شنید، گفت: «خوشا به حال عتبه بن ربیع که از دنیا رفت و این فرازها را نشنید!»^۲
۲. ابوسفیان در نخستین روز خلافت عثمان بن عفّان و جلسه گردهمایی قبیله امویان، از حاضران پرسید: «آیا در این محفل، جز بنی‌امیه افراد دیگری نیز حضور دارند؟» گفتند: نه. سپس گفت: «ای بنی‌امیه! اکنون که زمام خلافت را به دست گرفتید، مانند توپ به یکدیگر پاس دهید و نگذارید از دستتان خارج شود. سوگند به آنچه ابوسفیان به آن سوگند می‌خورد! نه عذابی هست نه حسابی، نه بهشتی نه جهنمی، نه بعتی نه رستاخیزی».^۳

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ج ۱۵، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۲. همان ج ۹، ص ۵۳. استیعاب ج ۲، ص ۶۹۰.

۳. «روزی چشم مبارک پیامبر ﷺ به ابوسفیان افتاد که بر چهارپایی سوار بود و معاویه از جلو و یزید (فرزند دیگر ابوسفیان) از عقب، وی را همراهی می‌کردند. در این حال رسول خدا ﷺ فرمود: «لعنت خدا بر این سه نفر باد، هم راکب و الاغ سوار، هم معاویه و یزید که در جلو و پشت سر او حرکت می‌کند».^۱ این سابقه ابوسفیان، پدر معاویه بود و ما درباره شخص معاویه و اعتقادات و اعمال او نیز سخن خواهیم گفت.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ج ۱۵، ص ۱۷۵.

چرا امام حسن علیه السلام با معاویه صلح کرد، ولی امام حسین علیه السلام با یزید مبارزه کرد؟ تفاوت رفتار امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به شرایط زمانی و تفاوت دو حاکم بر می‌گردد.

۱. معاویه و یزید، به عنوان دو حاکم اسلامی با هم تفاوت داشتند: معاویه فردی ظاهر الصلاح، عوام فریب و زیرک بود و ظواهر مسائل اسلامی را در رعایت می‌کرد، اما یزید چنین نبود. به بیان دیگر، معاویه را می‌شد تحمل کرد، اما یزید را هرگز. احکام اسلامی در زمان معاویه بیشتر از زمان یزید عمل می‌شد. معاویه اگر هم اعتقادی به اسلام و احکام الهی نداشت، برای فریب مسلمانان، رعایت مسائل را می‌کرد و حرمت رهبری جامعه را نگه می‌داشت. اما یزید فردی میمون باز، شهوت ران و سبک سر و گستاخ بود که به طور علنی شراب‌خواری می‌کرد. به همین دلیل امام حسین علیه السلام فرمودند: «اگر شخصی مثل یزید حاکم اسلامی باشد، باید فاتحه اسلام را خواند».^۱ در چنین وضعیتی امام تصمیم به قیام گرفتند.
۲. از دیگر تفاوت‌ها، تنهایی امام حسن علیه السلام و مظلومیت ایشان بود تا جایی که در خانه خود نیز امنیت نداشت و از همدلی همسر خود نیز محروم بود. آن حضرت در نبرد با معاویه تا یک قدمی پیروزی رفته بود، اما ناگهان یاران آن حضرت بی‌وفایی کرده و ایشان را تنها گذاردند. اما امام حسین علیه السلام هر چند یاران اندکی داشت، اما همه معتقد و وفادار و تا پای جان ایثارگر بودند.
۳. از جمله عوامل دیگر که نقش مهمی در پذیرش صلح از سوی امام حسن علیه السلام داشت، ضعف اعتقادی و فقر فکری جامعه بود. در کمتر از پنج سال خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام، سه جنگ بزرگ رخ داد که مردم از آن خسته شده بودند و خیلی زود صلح را پذیرفتند.

۱. الفتوح ج ۵، ص ۱۷.

امام حسین علیه السلام با نسلی مواجه شده بود که شناخت کافی از معارف اسلامی نداشت. از سوی دیگر افرادی هم افکار انحرافی را به جامعه تزریق می‌کردند. بدتر از همه، کار به جایی رسیده بود که شخصی بر جای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشست، که به طور علنی برخلاف دستورات آن حضرت رفتار می‌کرد.

حکم شراب‌خوار، تازیانه است، حال اگر خلیفه مسلمین هر روز شربِ خمر کند، چه طور؟ آیا حاکم جامعه در زمان امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام یکسان بود؟ در چنین وضعیتی، اگر امام حسین علیه السلام فریاد می‌زد ای مردم! معصیت نکنید، دروغ نگوید، شراب نخورید و... آیا کسی به سخن او توجه می‌کرد؟

بنابراین تنها راه هوشیاری مردم و احیای دوباره اسلام، آبیاری درخت اسلام با خون بود و این همان کاری بود که سید الشهداء علیه السلام به آن اقدام کرد.

با اینکه هم حکومت معاویه و هم حکومت یزید غاصبانه، ظالمانه و نامشروع بود، اما چرا امام حسین علیه السلام در زمان معاویه قیام نکرد؟

همان دلایلی که موجب صلح امام حسن علیه السلام شد، علت خودداری امام حسین علیه السلام از قیام در زمان معاویه بود. از جمله:

۱. معاویه مهارت خاصی در حل و فصل مشکلات و فریب جامعه داشت؛ به همین دلیل مردم انگیزه لازم برای قیام در برابر او را نداشتند. معاویه، فردی هوشمند شناخته می‌شد و کهنه‌کار و کارآزموده بود؛ ولی یزید بی تجربه، بی تدبیر، ناپخته و فاقد این مهارت‌ها بود.

۲. حفظ ظاهر اسلام توسط معاویه نیز عامل دیگر بود. برخلاف یزید که به هیچ عنوان ولو ظاهری، به اسلام بهایی نمی‌داد. او آشکارا شراب می‌خورد و به طور علنی می‌گفت که اسلام را قبول ندارد و فساد را به اوج خود رسانده بود.

بنابراین شرایط زمانی یزید و معاویه مشابه نبودند تا بگوییم همان طور که امام حسین علیه السلام در زمان یزید قیام کرد، در زمان معاویه هم قیام می‌کرد.

موانع قیام امام حسین علیه السلام در زمان معاویه

تا پیش از قیام امام حسین علیه السلام، بستر و شرایط لازم برای قیام فراهم نبود و موانعی وجود داشت که به آن اشاره می‌کنیم:

۱. پیمان صلح امام حسن علیه السلام

پیمان صلح توسط امام حسن علیه السلام منعقد شده بود و امام حسین علیه السلام نیز آن را تأیید کرده بود و اگر ایشان برخلاف تعهد خود قیام می‌کرد، معاویه با تبلیغات گسترده، صدای امام را خاموش می‌کرد. امام حسین علیه السلام در زمان حیات امام حسن علیه السلام متعهد شده بود که تا

وقتی معاویه زنده است، بر ضد او دست به شمشیر نبرد. با اینحال امام حسین علیه السلام ساکت نبودند و اعمال معاویه را تأیید نمی‌کردند؛ بلکه با سخنرانی‌ها و تبلیغات خود، سعی در آگاهی جامعه و آماده سازی نیروهای مخلص و مستعد برای تدارک قیام بودند.

۲. پذیرش حکومت معاویه از سوی مردم

هر چند حکومت معاویه اساساً نامشروع بود و خلافتش غصبی تلقی می‌شد، اما او با فریب و ترفندها، شماری از مسلمانان و شامیان را برای پذیرش حکومتش آماده ساخته بود.

دلایل معاویه برای مشروعیت حکومت خود

۱. ادعای خون‌خواهی عثمان: او مدعی بود که عثمان مظلوم کشته شده و من صاحب خون او هستم؛ بنابراین باید حکومت به من برسد.
۲. ماجرای حکمیت: در جریان آن که بعد از واقعه صفین روی داد، حماقت ابوموسی اشعری و نیرنگ عمر و عاص، باعث شد تا معاویه حکومت خود را مشروع بداند و بگوید «حکمیت» پشتوانه من است.

۳. پیمان صلح با امام حسن علیه السلام در سال ۴۱ هجری.

۴. بیعت مردمی: معاویه می‌گفت مردم با من بیعت کرده‌اند و این بیعت را دلیلی بر مشروعیت حکومت خود قلمداد می‌کرد؛ در حالی که حکومت بر مسلمانان باید به از سوی خداوند و پیامبرش امضاء و تأیید شده باشد.

بنابراین عدم قیام امام حسین علیه السلام در زمان معاویه، به دلیل شرایط خاصی بود که ذکر گردید.

درست است که امام حسین علیه السلام در زمان معاویه به دلایل مختلف نتوانست قیام کند، اما آیا در مخالفت با حکومت معاویه، فعالیتی هم نداشتند؟ هر چند امام حسین علیه السلام در زمان معاویه قیام مسلحانه نکرد، اما آرام و بی‌تفاوت هم نبود و اقدامات لازم برای هوشیاری و هدایت جامعه را انجام می‌داد.

اقدامات مهم امام حسین علیه السلام در زمان معاویه

۱. سخنرانی‌ها و نامه‌های اعتراض‌آمیز

معاویه ده سال پس از امام حسن علیه السلام زنده بود. امام حسین علیه السلام در این مدت، نامه‌های متعددی به معاویه نوشته است که نشانه موضع‌گیری سخت و انقلابی آن حضرت در برابر اقدامات معاویه است. امام به دنبال هر جنایت و اقدام ضداسلامی معاویه، او را به شدت مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌داد^۱ که برخی از موارد را ذکر خواهیم کرد.

۲. سخنرانی افشاگرانه در اجتماع عظیم حاجیان

دو سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام به حج مشرف شدند. با دعوت ایشان، حدود نهصد نفر در چادر ایشان جمع شدند و امام در سخنرانی خود به افشاگری علیه خاندان اموی پرداخته و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را یادآور شدند.^۲

۳. برخورد با حاکمان مدینه

امام حسین در مواردی با شخص مروان و ولید بن عتبه برخورد کردند و در مقابل آنان موضع گرفتند. هر چند این موضع‌گیری‌ها کوتاه بود، اما از حق خود دفاع کرده و روشن‌گری می‌نمودند.^۳

۱. سیره پیشوایان، ص ۱۵۱.

۲. الغدير ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. برخورد با مروان: بحارالانوار ج ۴۴، ص ۲۱۱. برخورد با ولید بن عتبه: موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۲۴۸.

۴. جلوگیری از سوء استفاده‌های سیاسی و تبلیغی

معاویه و باند اموی، تلاش می‌کردند به مردم القاء کنند که بنی‌هاشم در برابر بنی‌امیه کوتاه آمده است، اما با هوشیاری امام حسین علیه السلام، دشمن ناکام می‌ماند:

نمونه اول: معاویه به مروان، حاکم مدینه نوشت که از امّ کلثوم علیها السلام دختر عبدالله بن جعفر و حضرت زینب علیها السلام، برای پسرش یزید خواستگاری کند! امام پاسخ دادند: «آیا در حالی که خون‌های ما از شمشیرهای بنی‌امیه می‌چکد، می‌شود با آنان وصلت نمود؟»^۱

وقتی هم مروان خدمت امام آمد، آن حضرت فرمود: «من به وکالت از خواهر زاده‌ام، امّ کلثوم را به عقد پسر عمویش قاسم بن محمد بن جعفر در آورده‌ام». که مروان ناراحت شد و گفت: بین بنی‌امیه و بنی‌هاشم رابطه حسنه وجود ندارد.^۲

نمونه دوم: معاویه کنیزی داشت که او را به همراه هدایایی برای امام حسین علیه السلام فرستاد. اما امام کنیز را آزاد و هدایای معاویه را به کنیز بخشید و سپس دستور دادند تا هزار دینار هم به خاطر اشعاری که در مدح اهل بیت علیهم السلام و مذمت بنی‌امیه خوانده بود، به کنیز بدهند.^۳

۵. موضع امام در برابر شهادت حجر بن عدی و یاران

از جمله اعتراضات امام حسین علیه السلام، نسبت به شهادت یاران راستین هم چون حجر بن عدی بود. گروهی از شیعیان و بزرگان عراق بعد از این واقعه آمدند و در مدینه خدمت امام رسیدند. معاویه نامه‌ای به امام نوشت که اگر بدی کنی، بدی می‌بینی! آن حضرت در پاسخ، نامه‌ای

۱. ترجمه الامام الحسين علیه السلام، ابن سعد، ص ۳۹.

۲. بحار الانوار ج ۴۴، ص ۲۰۷.

۳. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۱۷۸، به نقل از ترجمه الامام الحسين علیه السلام، ابن عساکر، ص ۴۶۹.

کوبنده و بالحنی شدید، سیاست‌های ضد دینی معاویه را یادآور شده و کارهای زشت او را یکی پس از دیگری (از جمله، به شهادت رساندن حجر بن عدی و یاران وفادارش) برشمردند.^۱

۶. مخالفت با ولیعهدی یزید

از ابعاد مهم مبارزه امام حسین علیه السلام با معاویه، مخالفت با ولیعهدی یزید بود. معاویه در این زمینه بسیار سرمایه گذاری کرد. امام نیز با شجاعت تمام در برابر این سیاست شیطانی ایستادند که یکی از دلایل مهم شهادت امام و یارانش به شمار می‌آید.

چه زمینه‌هایی امام حسین علیه السلام را به جهاد و قیام علیه حکومت یزید واداشت؟ انگیزه‌ای که باعث شد امام معصوم آنگونه به شهادت برسند و از طفل شش ماهه تا حبیب ۷۵ ساله قربانی شوند، چه بود؟

عوامل قیام امام حسین علیه السلام:

مهم‌ترین علت و انگیزه قیام امام حسین علیه السلام، همان است که ایشان در سخنرانی‌ها و نامه‌های خود و نیز وصیت‌نامه خویش بیان فرموده‌اند. به طور کلی، «احیای سیره جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز امر به معروف و نهی از منکر»^۱ عوامل قیام امام حسین علیه السلام:

مهم‌ترین علل قیام عاشورا را با توجه به سخنان خود حضرت در موارد گوناگون، می‌توان چنین برشمرد:

- ایجاد بستری مناسب برای عمل به احکام و واجبات الهی.

- احیای مظاهر و نشانه‌های اسلام ناب محمدی.

- طلب اصلاح در امور امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

- دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

- احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و برپایی مظاهر حق و حقیقت.

- از بین بردن بدعت‌هایی که جایگزین احکام خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شده بود.

- تحقق رهبری که بر اساس کتاب خدا حکم کند، عدالت را در جامعه حاکم نماید، معتقد و متدین به دین خدا باشد، خود را وقف خدا و اهداف الهی نماید.

- پذیرفتن زندگی ذلت بار و ننگین دنیا و انتخاب زندگی با سعادت آخرت.

- نجات مسلمانان از سستی نسبت به احکام دین و وظایفشان در برابر پروردگار.

- اصلاح و بهبود وضع مردم سرزمین‌های اسلامی.

- تأمین امنیت مردم ستم دیده.

- امر به معروف.

- نهی از منکر.

زمینه‌های قیام امام حسین علیه السلام:

زمینه‌های قیام امام حسین علیه السلام را، در حقیقت یزید و یزیدیان به وجود آوردند. وضعیت به گونه‌ای شد که امام چاره‌ای جز قیام ندید. مهم‌ترین زمینه‌ها عبارتند از:

- اطاعت از شیطان و ترک فرمان برداری از خدا.

- آشکار کردن فساد در زمین.

- تعطیل کردن حدود الهی.

- اختصاص دادن بیت المال به خود.

- حلال کردن حرام خدا و بالعکس.

اصرار یزید بر گرفتن بیعت، تغییر ساختار حکومت از خلافت به سلطنت و موروثی کردن آن، فساد شخص حاکم، دنیاپرستی عوام و خواص، بی‌تفاوتی اکثریت مردم به ویژه خواص جامعه نسبت به انحرافات و رواج گناه و انحطاط اخلاقی در جامعه را نیز از دیگر زمینه‌های قیام نام برد.

البته باید توجه داشت که بین علت قیام، انگیزه قیام و زمینه‌های قیام تفاوت وجود دارد؛ که البته ممکن است در مواردی یک عامل در هر سه مورد مشترک باشد که در پاسخ به سؤال بعدی در این باره سخن خواهیم گفت.

۱. تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء علیه السلام، ص ۲۹۳-۳۰۳. «فلسفه و اهداف قیام عاشورا از دیدگاه امام حسین علیه السلام».